

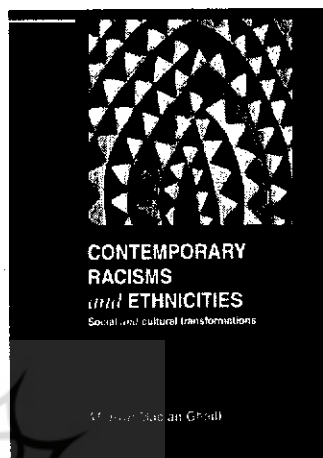
این اثر با عنوان "نژادگرایی‌ها و قومیت‌ها در دوره معاصر: دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی" توسط مارتین گیل نوشته شده که توسط انتشارات اپن یونیورسیتی به سال ۱۹۹۹ در ۱۷۶ صفحه به چاپ رسیده است.

نویسنده این اثر هم‌چنین مؤلف کتاب "ساختن انسان‌ها"^۲ (۱۹۹۶) و ویراستار "فهم انواع نرینگیاها"^۳ (۱۹۹۶) بوده که هر دو اثر توسط انتشارات اپن یونیورسیتی به چاپ رسیده‌اند. مارتین گیل در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه شفیلد تدریس می‌کند.

در مورد ساماندهی اثر مورد معرفی باید گفت که کتاب از سه بخش و پنج فصل تشکیل شده است.

نظریه پردازان اجتماعی در پاسخ به تغییرات عمده و مهم به وجود آمده در اروپا روایت‌های متفاوت و متنوعی را مطرح

- 1- A. Warde
- 2- The making of men
- 3- Understanding masculinities



معرفی و نقد کتاب:

نژادگرایی‌ها و قومیت‌های معاصر در بستر تغییرات اجتماعی و فرهنگی

Martin Mac an Ghail,
Contemporary Racisms and Ethnicities: Social and Cultural Transformations, Buckingham: Open University Press, 1999, 176 Pages.

کتاب حاضر در چهارچوب مجموعه آثار تحت عنوان "جامعه‌شناسی و تغییر اجتماعی" به ویراستاری آلن وارد^۱ به چاپ رسیده است.

۳- فراشد یادگیری زیستن در فضایی از تفاوت؟

گیل در جهت پاسخگویی به سؤالات اثر خویش با کاربست روش توصیفی - تحلیلی^۲ به تدوین فرضیه ترکیبی خویش می‌پردازد. فرضیه وی دو قسمت دارد، در قسمت ابتدایی او با نگاه و گذری به روایت‌های اولیه و مرسوم دربارهٔ نژاد و قومیت، مبنای ماتریالیستی آنها را حفظ می‌کند اما در تحلیل مسائل جاری، آن را ناکافی می‌داند و بنابراین مباحث و دیدگاه‌های جدید مطروحه دربارهٔ هویت و تفاوت را به آن اضافه می‌کند و بدین وسیله قسمت دوم فرضیه‌اش را شکل می‌دهد. گیل برای ارائه فرضیه و نیز پاسخگویی به سه سؤال اصلی، کتاب خود را در سه بخش با فصول متفاوت ساماندهی می‌کند که با عنایت به این تصویر، پیش از ورود به متن کتاب می‌توان هدف گیل را بیان نمود.

برای فهم اهداف گیل ضروری است که کتاب او را در مواجهه و مقابله با عدم پیشرفت مباحث نظری درباره تعامل روابط

کرده‌اند. یکی از اهداف جامعه‌شناسی در این راستا، فراهم ساختن اطلاعات لازم و ضروری برای ارزیابی مسیر و میزان تغییرات اجتماعی است. به عبارت دقیق‌تر و موردی‌تر، هر یک از مجموعه آثار چاپ شده به ارزیابی انتقادی نظریات کلی از طریق بررسی کاربرد آنها در نهادها و حوزه‌های متفاوت می‌پردازد. مؤلف کتاب با داشتن چنین پس زمینه‌ای، به بررسی انتقادی تحولات اخیر در نظریات جامعه‌شناسی نژاد و قومیت می‌پردازد. عرصه مورد بررسی گیل به خاطر ماهیت پدیده‌های مورد اشاره، استراتژی‌های مختلف روش‌شناختی و نهایتاً، چارچوب‌های متنوع جامعه‌شناسانه، دشواری‌های خاصی دارد. با این حال نویسنده با توجه به سؤالاتی که طرح می‌کند، با عنایت به تحولات اجتماعی و فرهنگی بیست سال گذشته به بررسی جامعه‌شناسانه دو موضوع نژاد و قومیت می‌پردازد. سؤالات اصلی مورد اذعان نویسنده شامل موارد ذیل می‌باشند:

۱- چگونگی فهم نژاد، قومیت و نژادگرایی؟

۲- چگونگی مقاومت در برابر نژادگرایی و

اقدامات^۱ نژادگرایانه؟

1- Practices

2- Descriptive - Analytic

اصلی جامعه‌شناسی در مورد مبارزه، جهت برابری قومی و نژادی در زمان تغییرات اجتماعی سریع و در این میان انتقادات راست و چپ سیاسی از محدودیت‌های ایده ضد نژادگرایی بوده که این مهم، ضرورت طرح تبیین محلی و انگلیسی از نژادگرایی و فعالیت‌های ضد نژادی برای زمان آتی را به میان می‌کشد.

گیل در بخش اول تحت عنوان "بازخوانی"^۱ [باز به دو معنای خوانش دوباره، نیز تجدید نظر شده] نظریات دوران پیش به عنوان نظریات دچار تحول، به وجود تغییر و تداوم میان نظریات دوران پیشین و دوران کنونی می‌پردازد. البته منظور وی از این دسته‌بندی، صرفاً یک نوع تفکیک و تمایز زمانی نیست که به تبع آن مسائل کاملاً جدیدی در دوره اخیر مطرح شوند. بلکه منظور آن است که در دوره پیشین از زاویه خاصی بر نژاد و قومیت تأکید می‌شد و اکنون از زاویه یا زوایای دیگری به آن توجه می‌شود. (ص ۱۱) در چارچوب چنین بحثی، فصلی مطرح شده که در آن به تغییر مباحث آکادمیک در

اجتماعی نژادی و انواع شکل‌بندی‌های هویتی قومی با تغییر و تحولات معاصر و در چارچوب و بستر ارزیابی کلان سرعت و مسیر دگرگونی اجتماعی - فرهنگی در عرصه جامعه‌شناسی نژاد و قومیت قرار دهیم. با انجام این مهم، اهداف سه‌گانه ذیل نمودار می‌شوند:

۱- بررسی انتقادی جامعه‌شناسی بریتانیا در مورد نژاد، قومیت و نژادگرایی در حدود پنجاه سال گذشته. در این جا شاهدیم که چگونه سطح تحلیل نژاد توسط تحلیل‌های مارکسیستی و وبری از زوایای متفاوت مورد چالش قرار می‌گیرند و ضرورت بازنگری آن را پیش می‌کشند.

۲- ظهور نظریات جدید در دوران جدیدتر که ضرورت فهم پیچیده‌تر تفاوت نژادی و شکل‌بندی قومی را مطرح می‌سازند. از جمله این تغییرات می‌توان نیاز به فرارفتن از مدل ضد نژادی سیاه - سفید را اشاره نمود. به عبارت دیگر، تلاقی اشکال متفاوت تفاوت اجتماعی، ذهنیت و شکل‌گیری هویت باعث می‌شود که روابط نژادی و هویت‌های قومی در پرتویی متفاوت مورد بررسی قرار گیرند.

۳- بحث انتقادی همراه با تبیین‌های

جلوه نمودن دورهٔ جدید ضرورت دارد که در بخش دوم به وضعیت این دوران بپردازیم.

مؤلف در این راستا در بخش دوم تحت عنوان "دوران جدید: گذر از سیاست هویت^۲ (ماتریالیسم) به سیاست جدید تفاوت فرهنگی (تفاوت‌گرایی)"^۳ در سه فصل به این مهم می‌پردازد. هدف گیل در فصل اول از بخش دوم، ترسیم مسائل کلی فلسفی دربارهٔ هویت و ذهنیت که از دههٔ ۱۹۸۰ مطرح شده و برای فهم قومیت و نژادگرایی تبعاتی را به دنبال دارند، می‌باشد. از این رو نویسنده محترم در فصل دوم تلاش می‌کند که با یافتن فرهنگ واژگانی جدید پیچیدگی روایت‌های سیاسی و آکادمیک در مورد هویت‌های نژادی و قومی را درک و فهم کند. به نظر می‌رسد که در این فرهنگ جدید واژگانی، اصطلاحات فرهنگ، هویت و تفاوت، کاربرد بسیار وسیع و متنوعی دارند. در چنین فضایی گیل به مسائلی نظیر: روایت‌های ماتریالیستی و فرهنگی از شکل‌گیری هویت؛ ایجاد تفاوت

بریتانیا درخصوص قومیت، نژاد و نژادگرایی می‌پردازد. مؤلف در این جا ضرورت بررسی و مواجه مجدد با ادبیات غالب را در بحث موردنظر به میان کشیده و می‌گوید که از منظر رهیافت‌ها^۱ ادبیات بحث را به دو بخش می‌توان تقسیم کرد: یک دسته منابع و آثار با تمرکز بر فرهنگ به بررسی روابط نژادی، آن هم عمدتاً در بین سیاهان و سفیدان می‌پردازند. منابع دسته دوم نیز از منظر ماتریالیستی بر طبقه تمرکز می‌کنند. آثار دسته اول روابط نژادی را سازنده تغییرات اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی و نیز ساخته شده به وسیله آنها می‌داند. (ص ۱۹) که بدین وسیله مسائل قومی و نژادی در چارچوب گسترده‌تر و فراگیرتر منطق فرهنگی سرمایه‌داری قرار می‌گیرند. اما رهیافت ماتریالیستی با تصویر محدودیت‌های رهیافت فرهنگی تأکید خود را بر طبقه قرار می‌دهد و بین نوع طبقه و نژادگرایی ارتباط و اتصال برقرار می‌کند. (صص ۲۹-۲۵) نتیجه آنکه، بنابر فصل اول، بخش اول کتاب گیل برای این نظر است که دو رهیافت دورهٔ پیشین (چه منظر ماتریالیستی و چه فرهنگی) دچار تغییر و تحول شده‌اند و با

1- Approaches 2- Identity politics
3- Cultural Difference / Differentialism

این میان به‌عنوان بدیل به فرهنگ و مذهب عنایت و توجه می‌کند. (صص ۶۱، ۶۴ و ۶۸) مؤلف براساس کاربست پارادایم جدید، نژادگرایی را با عنایت به تفاوت فرهنگی و انحصارگرایی مذهبی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. (صص ۷۰ و ۷۴) با ارائه طرح پارادایم پیشنهادی، زمینه برای طرح آخرین فصل بخش دوم با عنوان: "جهانی‌سازی و محلی‌سازی: ملت‌سازی و شهروندی مهیا می‌شود." این فصل به دنبال بررسی دو موضوع ملت‌سازی و شهروندی در پیوستار محلی - جهانی با توجه به تعامل و تبادل بین هویت‌های نژادی، قومی و ملی با تغییرات اجتماعی و فرهنگی است. (ص ۸۲) البته گیل در این راستا عمدتاً به اجتماعی‌ملی^۶ (البته با حدّ و مرزی منعطف‌تر) می‌پردازد. (صص ۸۷، ۸۹، ۹۳) پس از طرح آنچه در دوران پیشین بود (که در بخش اول کتاب آورده شد) و آنچه

و شناسایی تفاوت؛^۱ ایجاد فاعل‌های شناسایی^۲ نژادی و قومی و ابعاد روان‌پویایی هویت^۳ در چارچوب کشور انگلستان می‌پردازد. با تمهید چنین بستری در فصل دوم از بخش دوم، مؤلف مسائل کلی فلسفی را از منظر جامعه‌شناختی تر و با عنایت به موضوعی چون مدل نژادگرایی که براساس ثنویت^۴ رنگ سفید - سیاه استوار است مورد عنایت قرار می‌دهد. (ص ۳۹) این فصل با عنوان "بازنگری^۵ نژادگرایی و قومیت‌ها: بازنگری در ثنویت سیاه - سفید"، به بررسی تحول نظری از مدل ثنویتی سیاه - سفید به مدلی که در آن هویت‌های فرهنگی و مذهبی در پس زمینه قرار دارند، اختصاص می‌یابد. به عبارت دقیق‌تر و موردی‌تر، در ارتباط با بریتانیا می‌توان گفت که تأثیرپذیری مباحث نژادی انگلیس از پارادایم آمریکایی ثنویت رنگ سفید - سیاه موجب گردیده تا نژادگرایی براساس این پارادایم متناسب با آمریکا مورد بررسی قرار گیرد، ولی به تدریج کاستی‌های آن در مرحله تجدد متأخر، خود را نشان می‌دهند. از این‌رو گیل ضرورت بازنگری در پارادایم ثنویتی که براساس رنگ پوست قرار دارد را مطرح ساخته و در

1- Constructing Difference and Recognition

2- Subjects

3- Psychodynamic

4- Duality

5- Rethinking

6- National community

و تنوع قومی و بازنمایی جمعی^۳، فعالیت سیاسی ایرلندی‌ها و مسلمانان حاضر در انگلیس را به عنوان مواردی بر می‌شمارد که می‌خواهند از پارادایم ثنویتی رنگ سیاه - سفید فراتر روند.

با بررسی سه بخش فوق به عنوان سازمان کتاب در راستای پاسخ به سه سؤال اصلی، نتیجه‌گیری با عنوان "آینده: بازسازی سیاست‌ها و قوم‌نگاری‌ها" قرار دارد. به عبارت دیگر، دیدگاه نویسنده این است که استدلال‌های مهم و مبنایی فصول پیشین در پیوند با یکدیگر قرار می‌گیرند تا بتوان به واریسی تداوم‌ها و گسست‌ها در تعامل و تبادل تغییرات اجتماعی - فرهنگی معاصر با ایدئولوژی‌ها، روایت‌ها و گفتمان‌های نژادگرایی و قومیت پرداخت. (ص ۱۳۰) در این راستا قسمت نتیجه‌گیری به دو قسمت تقسیم می‌شود: در قسمت اول گیل به عنصر مغفول در متون و منابع تفاوت‌گرایی فرهنگی یعنی تدوین سیاست‌ها و پژوهش تجربی می‌پردازد و در قسمت دوم به

که در حال حاضر جریان دارد (که در بخش دوم کتاب مطرح شد)، گیل بخش سوم را به دوران آینده در قالب عنوان: "مبارزه برای برابری نژادی و بسیج‌های قومی اقلیت‌ها"^۱ اختصاص می‌دهد. نویسنده کتاب در فصل اول از این بخش به بررسی و واریسی انتقادی روایت‌های علمی و سیاسی از ضدنژادگرایی و بسیج جمعیت اقلیت قومی در چارچوب سیاست بسیار گسترده موقعیت و مکان^۲ می‌پردازد. (ص ۱۰۴) به نظر وی چند نژادگرایی در مقطع تجدّد متأخر دچار بحران شده است، زیرا این گرایش در خود انگلیس از مناظر چپ و راست سیاسی (اولی از زاویه گسست و فقدان فرهنگ و دومی از زاویه تعلق ملی) مورد انتقاد قرار گرفته است؛ اگرچه از نظر گیل این دو گرایش به عدم تجانس و پیچیدگی اعمال و رویه‌های ضدنژادگرایی چندان توجهی نداشته‌اند. (ص ۱۱۴) بدین طریق با پایان پذیرفتن بحث نژادگرایی و ضد آن به عنوان یک بحران زمینه برای پرداختن به بسیج‌های قومی گروهی آماده می‌شود. گیل پس از طرح روایت ماتریالیستی از بسیج و اعتراض سیاهان در بریتانیا (صص ۱۲۰-۱۱۷) به وجود تفاوت

1- Ethnic minority mobilizations

2- Locality, Place

3- Coming times

تحولات و تغییرات سیاسی - اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی کلان جامعه قرار می‌دهد، و به عبارتی در زمان حضور یک طرف، طرف دیگر را نیز حاضر می‌کند. براساس چنین بستر و زمینه‌ای، او سه پرسش مطرح می‌کند که وجوه معرفتی علمی و پیش‌گویانه^۲ دارند. با عنایت به زمینه‌مندی رهیافت‌ها در کشوری نظیر انگلیس، گیل معرفت نسبت به قومیت و نژاد را حاصل ترکیب دو رهیافت فرهنگ - بنیاد^۳ و طبقه - بنیاد^۴ (البته به صورت اصلاح شده‌اشان) می‌داند که در پیوند با این معرفت ترکیبی راه‌کارها نیز متأثر از مفاهیم و مقولات سیاست هویت - اینتمانی و سیاست متفاوت می‌باشند. با داشتن این دو دستمایه، گیل به پیش‌بینی و نیز پیش‌گویی نشسته و می‌گوید که بین نظریات، سیاست‌ها و قوم‌نگاری‌ها باید ارتباط و اتصال برقرار شود. بدین طریق به نظر می‌رسد که توانسته در سه بخش کتاب خویش سؤالات خود را به ترتیب پاسخ

مجموعه مضامینی چون نسل جوان بریتانیایی؛ هویت‌های انگلو - قومی^۱ و انسان انگلیسی واقعی می‌پردازد که از درون مطالعات تجربی نظریه - محور حاصل شده‌اند. (ص ۱۳۲)

نتیجه‌گیری کلی گیل آن است که در دوران آینده، عرصه جامعه‌شناسی قومیت و نژادگرایی باید دست به بازسازی توأمان خط مشی‌ها، چارچوب‌های مفهومی و قوم‌نگاری‌ها بزنند. در تکمیل این نتیجه، می‌توان اضافه کرد که روایت‌های متغیر درباره قومیت و نژاد باید در درون تعاملات ملی و کشاکش تغییرات فرهنگی - اجتماعی وسیع‌تر و کلان‌تر قرار داده شوند. برای ارزیابی و داوری این کتاب، توجه به منطق درونی و چارچوب بحث مؤلف ضروری است، و البته منظر بیرونی یا فراتر از منطق درونی مؤلف نیز نفی نمی‌شود. نویسنده در چارچوب برداشت خود از جامعه‌شناسی که می‌خواهد از آنچه که رخ می‌دهد اطلاعاتی را فراهم سازد، به سراغ بررسی جامعه‌شناسانه دو مقوله قومیت و نژاد در بستر کشور انگلیس و آن هم در دوره بیست ساله اخیر می‌رود. از این‌رو وی از ابتدا این دو مقوله را مؤکداً در تعامل با

1- Anglo - ethnic identities

2- Predictive

3- Culture - based

4- Class - based

موضوع اول، به موفقیت‌هایی نیز دست یافته‌اند. از این‌رو اولاً در قبال مسلمانان به دوران گذشته توجهی نشده و صرفاً دوران کنونی مورد نظر قرار گرفته است. در ثانی، در نهایت مسأله مسلمانان در چارچوب سر نمونه نژادی - البته با مؤلفه‌هایی متفاوت چون فرهنگ - مذهب - و آن هم در قالب یک نوع فعال‌گرایی سیاسی^۱ مطرح شده است. فعال‌گرایی که می‌تواند بر حسب مورد برانگیخته، تأمین شده و یا فروکش کند. از این‌رو دغدغه مبنایی و ریشه‌ای وجود ندارد بلکه عمدتاً عکس‌العملی و مقطعی است. اگرچه به نظر می‌رسد وی مسأله مسلمانان بریتانیا را جهت ضرورت بازاندیشی و بازسازی جامعه‌شناسی قومیت و نژاد در آینده شاهد مثال می‌آورد و از این‌رو در یک صفحه به آن می‌پردازد نه بیشتر! می‌توان گفت که اگرچه پیش‌بینی او مبنی بر ضرورت بازنگری در موضوعات نژادگرایی، ضدنژادگرایی و سیاست ضدسرکوبی^۲ با توجه به تحولات کلان درونی و بیرونی انگلستان جای توجیه معقولانه‌ای دارد و در

دهد، اگرچه پاسخ معرفتی او کوتاه می‌باشد ولی با توجه به محدودیت آن برای رهیافت به زعم مؤلف عمدتاً انگلیسی مناسب می‌نماید. بخش پیش‌نگری او نیز نظیر بخش اول کوتاه می‌باشد و در این میان بخش دوم است که قسمت عمده کتاب را شکل می‌دهد.

از این میان یکی از موضوعات مورد بررسی گیل فعالیت‌های سیاسی مسلمانان انگلیس می‌باشد. وی چنین مقوله‌ای را در چارچوب کاستی و نقصان سیاست نژاد و ملت در بریتانیا قرار می‌دهد (ص ۱۲۳)، یعنی وجود شکاف نژادی و مواجه شدن با چند پاره‌گی نژاد، و نیز بازنمایی جمعی توسط گروه‌های اقلیت (و از آن جمله مسلمانان انگلیس). با وجود این چنین نظری، وی بر این باور است که بررسی نژادی مسلمانان را بر اساس مسائل و دلنگرانی‌های فرهنگی و مذهبی و با توجه به وضعیت کنونی مسلمانان بریتانیا نظر داشته و برخلاف ایده خویش، تاریخ را در این زمینه بکار نمی‌گیرد. (صص ۱۶ و ۱۷) از این‌رو مسأله کنونی مسلمانان را در قالب دو مورد، یعنی داشتن مدارس خاص خود و قضیه سلمان رشدی خلاصه می‌کنند که در مورد

1- Political activism

2- Anti - oppressive

چنین چارچوبی پایه نادرستی برای ارزیابی اقلیت مسلمانان محسوب می‌شود، با توجه به اینکه به اعتراف مؤلف در این زمینه کار پژوهشی و میدانی نیز صورت نگرفته است.

دکتر مصطفی یونسی

این راستا مورد مسلمانان را به‌عنوان شاهد مثالی بر نقصان و عدم کفایت نژادگرایی ثنویتی^۱ می‌آورد، اما به‌نظر می‌رسد پارادایم نژاد به‌ویژه با توجه به تنوع و تکثر مسلمانان موجود در بریتانیا محل سؤال است. از این‌رو شاید قرار دادن این مسأله در





ثروٲ بشكاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی